



اشاره:

این پژوهش حاصل نگرشی به دوران نخست‌وزیری امیر عباس هویدا تا زمان محاکمه و اعدام اوست. نویسنده در این تحقیق بر آن است تا با بهره‌گیری از منابع معتبر موجود و اسناد تاریخی به تبیین گوشه‌هایی از حقایق اجتماعی ایران در دهه چهل و پنجاه شمسی بپردازد. در این نوشتار ابتدا در مورد زندگینامه امیر عباس هویدا، تحصیلات، سمت‌های مختلف اداری و اجرایی و غیره توضیحاتی بیان می‌شود و سپس به شرح مباحثی کلی در مورد دوران نخست‌وزیری هویدا، پرداخته خواهد شد.

### زندگینامه هویدا

امیر عباس هویدا در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی از پیوند دو خانواده نسبتاً ثروتمند ایرانی متولد شد. پدر او حبیب‌الله عین‌الملک از رجال نسبتاً سرشناس دوران بود. علت برگزیدن نام عباس برای هویدا در نزدیکی و همدمی پدر وی با فرقه بهائیت و بخصوص رهبر این گروه، عباس افندی نهفته است. از سوی دیگر چون ریشه نیاکان خاندان هویدا به امرای قزاق مرتبط می‌شد، پیشاوند «امیر» به نام عباس اضافه گردید و بدین سان فرزند حبیب‌الله عین‌الملک نام «امیر عباس هویدا» را به خود گرفت.

هویدا پس از پایان تحصیلات دبیرستانی خود در کشور لبنان، زبانهای فرانسه و عربی را نزد استادان این زبانها آموخت و بعد از این به سرزمین انگلیس رفته، زبان انگلیسی را نیز در مدت کوتاهی فرا گرفت.

در سالهای پایانی دهه سی میلادی (۱۹۳۸) برای کسب مدارج عالی علمی به دانشگاه بروکسل در کشور بلژیک رفت و پس از گذشت سه سال با درجه لیسانس در رشته علوم سیاسی از آن دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. در این دوران هویدای جوان با زبانهای آلمانی و ایتالیایی نیز آشنایی پیدا کرد.<sup>(۱)</sup>

وی در دی ماه ۱۳۲۰ در زمان وزارت ساعد، از وزارت خارجه درخواست استخدام نمود. ولی پس از اشتغال در وزارت خارجه برای انجام خدمت وظیفه عمومی و گذراندن دوره ضرورت به دانشکده افسری ارتش شاهنشاهی رفت و تا مهر سال ۱۳۲۳ در آنجا مشغول به انجام خدمت سربازی بود. در ۲۴ سالگی و در شهریور ماه سال ۱۳۲۲ به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و در اوایل مرداد ماه سال ۱۳۲۴ به عنوان وابسته سفارت ایران عازم فرانسه گردید و کارمند اداره حفاظت منافع ایران در کشور آلمان نیز شد.<sup>(۲)</sup>

او در همان سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ با ابرج اسکندری از سرشناسان حزب توده آشنا شد و سر و سری با این حزب پیدا کرد. پنج ماه پس از اقامت در پاریس به اتفاق حسنعلی منصور به اتهام قاچاق مواد مخدر دستگیر گردید ولی در تاریخ سوم اسفند

۱۳۲۵، این امر در تکذیب‌نامه مشترک این دو، مورد انکار قرار گرفت.<sup>(۳)</sup>

امیر عباس هویدا در فروردین ماه ۱۳۲۸ به سمت کنسولیاری ایران در شهر اشتوتگارت آلمان منصوب گردید و با عبدالله انتظام (فرزند انتظام السلطنه وزیر مختار ایران در آلمان) آشنا گردید که این دوستی در ساختن آینده هویدا نقش بسزا داشت. او مدتی معاون اداره سوم سیاسی و نیز مأمور کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل شد و سپس به جای جمشید قریب به سمت رایزن ایران در ترکیه منصوب شد. در اواخر سال ۱۳۳۶ به شرکت نفت منتقل شد و مدت ۶ سال در شرکت یاد شده کار کرد.

مدیریت امور اداری شرکت نفت توسط امیر عباس هویدا سبب ناخشنودی برخی از کارکنان شرکت نفت نسبت به این سمت گردید. ولی هویدا با چرب زبانی و مردم‌داری و با برقراری روابط عاطفی هدفدار با افراد شاغل در شرکت نفت، توانست جو موجود را به نفع خود تغییر دهد و از مخالفتهای کارکنان شرکت نفت بکاهد.

امیر عباس هویدا پس از به دست آوردن پایگاه و نقطه اتکای مناسب و محکم در شرکت نفت به اقدامات و فعالیتهای سیاسی روی آورد و با فردی به نام حسنعلی منصور و با همکاری عده‌ای از دانش آموختگان ایرانی و بسه اصطلاح روشنفکران ایرانی - آمریکایی و اروپایی گروهی به نام «گروه مترقی» را به وجود آوردند تا بدین وسیله زمینه برای نفوذ در ارکان حکومتی و ارگانهای سیاسی نظام شاهنشاهی فراهم شود.

هویدا تا موقعی که در کابینه حسنعلی منصور به وزارت دارایی کشور منصوب شد، به عنوان نیروی مأمور وزارت امور خارجه در شرکت نفت مشغول فعالیت بود.

به دنبال اختلافی که بین دکتر منوچهر اقبال (جانشین عبدالله انتظام در شرکت نفت) و امیر عباس هویدا به وجود آمد،<sup>(۴)</sup> در واقع هویدا از کار بر کنار شد و هیچ نقشی در جریانات شرکت نفت نداشت. اما به دنبال حمایت یار دیرین و دوست صمیمی خود، حسنعلی منصور که دبیرکلی حزب ایران نوین را عهده‌دار آن بود، هویدا به عنوان وزیر اقبال، تصمیم گرفته شد که در کابینه آینده که منصور عهده‌دار آن بود، هویدا به عنوان وزیر دارایی معرفی گردد، که به صورت غیر مستقیم رئیس دکتر اقبال باشد چرا که وزیر دارایی رئیس شورای عالی نفت هم بود. سرانجام با نخست‌وزیری حسنعلی منصور و انتصاب وزرای کابینه، از جمله منصوب شدن امیر عباس هویدا

مدیر امور اداری شرکت ملی نفت در رأس وزارت دارایی، باعث ناراحتی شدید دکتر اقبال شد، به طوری که برای از بین بردن وجهه هویدا، یک پرونده قطور از اعمال خلاف وی را جمع کرده و آن را در میان دوستان و همکاران خود اشاعه داد.<sup>(۵)</sup> از نظر مراتب علمی، امیر عباس هویدا فارغ‌التحصیل رشته تاریخ از دانشگاه کلوز نیز بود و در سال ۱۳۴۹ از سوی دانشگاه مزبور نشان دکترای

# هویدا از آغاز تا پایان

علیرضا فایضی مهابادی

افتخاری به وی اعطا شد و این در حالی بود که چند روز قبل از اعطای درجه مزبور به هویدا، شاه ستم‌پیشه ایران نیز از دانشگاه بخارست درجه دکترای افتخاری گرفته بود. (۶)

هویدا در دوران نخست وزیری خود، در ۴۸ سالگی با دختری به نام لیلا امامی ازدواج کرد. روزنامه‌های آن دوران به چاپ مطالبی مربوط به سادگی مراسم ازدواج هویدا و تعیین مهریه کلام الله مجید پرداختند و این امر برای رسیدن به دو هدف بود:

الف) اشاعه این امر که رژیم به دنبال تجملات و زندگی اشرافی پر زرق و برق نیست.

ب) ترویج این مسأله که نخست وزیر دارای وجهه دینی- مذهبی است.

دوران زندگی مشترک امیر عباس هویدا با لیلا امامی زیاد طول نکشید و این دو پس از مدت کوتاهی از یکدیگر جدا شدند و البته در مورد علت جدایی این دو حرف‌های بسیار گفتند و نوشتند. ویژگی‌های فردی و شخصیتی هویدا

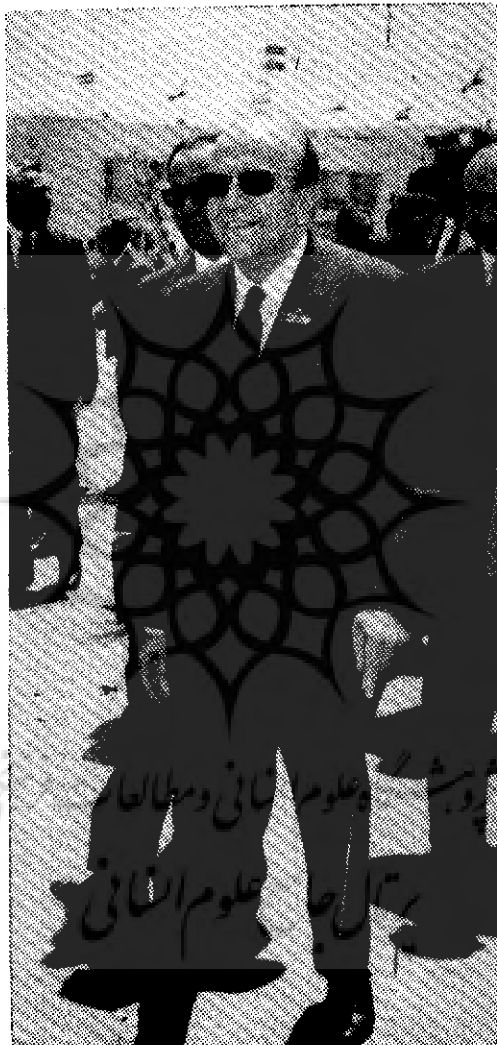
هویدا با توجه به اینکه به زبان عربی و چند زبان اروپایی بخوبی سخن می‌گفت، در ملاقات‌های خود با سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی به هیچ وجه لنگ نمی‌ماند و شخصاً قادر بود در هر نشستی از کم و کیف قضایا آگاه شود. در ابتدای نخست وزیری گاه گاهی به تقلید از فرنگی‌ها که عادت ثانویه او بود، در سخن گفتن صراحت دانشجویان تازه از فرنگ برگشته را به کار می‌گرفت ولی بزودی متوجه این نقص خود شد تا آنجا که در تمام دوران سیزده ساله صدارتش کمتر کسی یافت می‌شد که با وی ملاقات نموده، او را ناراضی ترک کرده باشد. در یک کلام باید گفت هویدا استاد چرب‌زبانی و چاپلوسی بود. او فردی تحصیل‌کرده تکنوکرات بود که در طول ۱۳ سال دوران نخست وزیری به عنوان عنصر تکمیلی در کنار شاه قرار داشت. هویدا در مدت فعالیت خود به ظاهر نقش یک سیاست‌پیشه خنده‌رو، مردمی و معاشرتی را اجرا می‌نمود. (۷)

ارتباط شاه با هویدا آنچنان بود که وی از طرف محمدرضا به دریافت نشان درجه اول تاج، عالیترین نشان کشور شاهنشاهی نایل شد. شاه هویدا را برای برقراری تعادل در جریان‌ات سیاسی در برابر افراد متنفذی مثل اردشیر زاهدی برگزیده بود. هویدا نیز دستورهای شاه را مو به مو اجرا می‌کرد و در برابر شاه رفتاری توأم با فروتنی و خاکساری داشت ولی در خارج از دربار سلطنتی خود را به عنوان فردی کاملاً مستقل نشان می‌داد.

برخی هویدا را روبه مزاج می‌دانستند چرا که وی با حيله و فریب، در مواقع تنگنا راه را به بیراهه می‌زد. وی همواره با زیرکی خاصی پرسشها را با لبخند و سخنان فکاهی بی‌اهمیت جلوه می‌داد.

ویلیام شوکراس در کتاب «آخرین سفر شاه» امیر عباس هویدا را از نظر ویژگی‌های ظاهری و باطنی شخصیتی استثنایی!! دانسته است و چنین اظهار داشته است. «او با سایر نخست وزیران گذشته از لحاظ آداب و معاشرت کاملاً متفاوت بود. وی

## □ هر چند هویدا در نظام شاهنشاهی به عنوان يك عامل اجرایی مطرح بود و به همین دلیل طی سخنانی در آخرین روزهای حیاتش گناه را متوجه «سیستم» دانست، اما وی در جهت‌دهی سیاست‌های اجرایی، تقویت پشتوانه رژیم استبدادی و ... نقش مؤثری داشت.



## □ در دوران هویدا نه تنها وابستگی کشور به محصولات خارجی کاهش نیافت، بلکه به طرز ویرانگری شیوع یافت، چرا که وابستگی دولت هویدا به کشورهای بیگانه و دخالت این کشور در شؤون مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... امری بدیهی و غیر قابل انکار بود.

مردی فربه، کله تاس و همیشه شاد و سرحال بود. خوب لباس می‌پوشید و همیشه يك گل ازکیده تازه به یقه‌اش می‌زد. هویدا مردی تحصیل کرده و کتابخوان و بذله‌گو بود. او در میان درباریان و دولتمردان یکی از سیاستمداران نادر بود!! وی توان زیادی در برقراری دوستی داشت. (۸)

این ویژگی‌ها که همواره با چاپلوسی و چرب‌زبانی، نیرنگ‌بازی و خودخواهی همراه بود؛ در بستری از مردم‌فریبی و ظاهرسازی نمود می‌یافت.

هویدا معمولاً پیپ می‌کشید و دارای عصا بود. به هر مسافرتی که می‌رفت، معمولاً به او عصا هدیه می‌کردند بدین سان در اکثر عکس‌های به جا مانده از هویدا، عصا و پیپ به عنوان دو جزء جدایی‌ناپذیر وجود هویدا مشاهده می‌شود.

در کتاب «آخرین سفر شاه» در مورد هویدا چنین آمده است: «هر قدر دوران نخست وزیری او طولانی‌تر می‌شد، بی‌بالترا و ستمکارتر شده و بیشتر بر ضد روشنفکران عمل می‌کرد» روشنفکرانی که به هر تقدیر مخالف دیدگاه‌های استبدادی شاه و خواهان حکومت مردم سالار بودند نه به اصطلاح روشنفکران وابسته به دربار و حکومت.

هویدا فردی تودار و حيله‌گر بود و برای حفظ مقام و موقعیت خود همه کس و همه چیز را فدا می‌کرد. دوستان و اطرافیان خود را حفظ می‌کرد و به آنها همه گونه امتیاز می‌داد. (۹)

### دوران نخست وزیری هویدا

امیر عباس هویدا در بهمن ماه ۱۳۴۳ پس از ترور حسنعلی منصور توسط محمد بخارایی به نخست وزیری ایران برگزیده شد و زمام امور را به دست گرفت.

پس از ترور حسنعلی منصور اولین کسی که این خبر را به محمدرضا پهلوی رساند، هویدا وزیر دارایی وقت بود که از بهارستان، محل مجلس شورای ملی وقت این خبر را مخابره کرد.

به هنگامی که امیر عباس هویدا وارد بیمارستان پارس تهران شد، حسنعلی منصور هنوز در اتاق عمل بود. در این زمان افراد حاضر در بیمارستان چنان وانمود می‌کردند که نخست وزیر هنوز توان ادامه کار را دارد. همزمان محمد بخارایی در زندان ساواک زیر وحشیانه‌ترین و سخت‌ترین انواع شکنجه‌ها بود و گروه‌های پیگرد ساواک دنبال یاران و همدستان او بود.

در این گیر و دار جو بهت و حیرت خاصی در محیط بیمارستان حاکم بود. وزیران کابینه منصور به فکر آینده و پست و مقام خود بودند و در این اندیشه که مبدا قدرت از دست دو گروه به اصطلاح مترقی خارج شود به سر می‌بردند. شاه در شرایطی که نشان می‌داد از این حادثه اندوهگین است اما شرایط طوری بود که گویی شاه از حادثه ترور چندان هم ناراحت نیست. اما این امر بدان معنا نیست که شاه سرنخ ترورها را در دست داشت. بلکه شاه پس از هر ترور عاملان استبداد، درصدد مظلوم‌نمایی و انتخاب فرد مطیع‌تر بود تا از این طریق بستر قدرت هموارتر شود. (۱۰)

در جمع مقامات حاضر در بیمارستان پارس سرلشکر پاکروان (وزیر اطلاعات) دیده نمی‌شد. با آشکار شدن ماهیت و مرام بخارایی و یارانش شاه دیگر تحمل پاکروان را نداشت، چرا که او با خصوصیات به اصطلاح لیبرالی خود، از زمان ۱۵ خرداد همواره شاه را از صدور فرمان اعدام و تدروی درباره رهبران مذهبی و جریانهای مربوط به روحانیون بازداشته بود. حال آن که علم و نصیری همواره معتقد به برخورد قاطع، اعدام رهبران و سرکوب کردن حرکت‌های مردمی در قم و دیگر حوزه‌های مذهبی بودند. شاه به یاد می‌آورد که پاکروان پس از تبعید آیت‌الله خمینی گزارش داده بود که هیچ تحرکی در گروه‌های اسلامی دیده نمی‌شود. گفتگوهای خود و دیگر فرستادگان رژیم با شریعتمداری و چند تن دیگر از مدرسان حوزه

## □ اسناد مکتوب و شواهد عینی به جا مانده از عملکردهای پلیسی و وحشتناک رژیم در سازمان اطلاعات و امنیت کشور حاکی از این است که حق آزادی بیان که از حقوق مسلم انسانی در بستر یک جامعه متمدن است، در دوران ضداریت هویدا به هیچ وجه رعایت نمی‌شد و سانسور شدیدی بر رسانه‌های گروهی نوشتاری و دیداری حاکم بود.

را، به عنوان مؤید این نظر برای شاه نقل کرده بود. اما اینک، چهار ماه پس از تبعید رهبر مخالفان مذهبی، گروهی از آنان دومین فرد مملکت را کشته بودند. بخارایی در نخستین بازجوییها به عمل خود اعتراف کرده، فاش ساخته بود که گروه در حقیقت قصد ترور شاه را داشت به زعم شاه پاکروان اشتباهی را مرتکب شده بود که قابل بخشایش نبود. نعمت‌الله نصیری مناسبترین چهره برای ریاست ساواکی بود که شاه می‌خواست. در فرصتی که نمایش «زنده بودن نخست‌وزیر» به شاه می‌داد، او پس از تماسی با جانسون، و گفتگویی با خواهرش اشرف که تنها مشاور او بود، تصمیم خود را گرفت. او هویدا را وقتی به کفالت نخست‌وزیری برگزید که علم، علی‌نقی عالیخانی را مناسب می‌دانست، اشرف جمشید آموزگار را، بسیاری نیز اردشیر زاهدی را بهترین انتخاب می‌دانستند. آنها هر سه پیش‌تر از هویدا برای شاه آشنا بودند، بیشتر از او امتحان وفاداری داده بودند. اما در هویدا چیزی بود که شاه را خوش می‌آمد. (۱۱)

سرانجام منصور پس از چندین عمل جراحی که بر روی وی صورت گرفته بود، درگذشت. هویدا در همان موقع با شاه مکالمه‌ای تلفنی انجام داد به زبان فرانسه و به طور خصوصی با او به مذاکره

پرداخت. حرکات و رفتار هویدا در هنگام مکالمه با لجن یک وزیر نسبت به شاه فرق داشت. (۱۲)

کابینه ۲۸ نفری هویدا نقش مؤثری در تصمیم‌گیریها و راهبردهای سیاسی نداشت و رسالت اصلی آن هماهنگی امور اجرایی مرتبط با دستورات شاه بود. به بیان دیگر کابینه هویدا وسیله‌ای مؤثر برای اجرای سیاستهای دیکتاتوری و استبدادی شاه تلقی می‌شود.

هویدا در روند تصمیم‌گیری ایران نقشی با اهمیتی داشت، چون در امور دولتی سابقه‌ای بسیار غنی داشت. البته وی در موقعیتی نبود که بتواند با شاه رقابت کند ولی از جمله معدود افرادی بود که می‌توانست در زمینه‌هایی که تجربه دارد، عقایدی مغایز با نظریات شاه را بیان نماید. او تعداد کارمندان دفتر خود را افزایش داد تا به این طریق بتواند اطلاعات و پیشنهادهایی را تهیه کند و به شاه تقدیم نماید. (۱۳)

هر چند هویدا در نظام شاهنشاهی به عنوان یک عامل اجرایی مطرح بود و به همین دلیل در سخنان آخرین روزهای حیاتش گناه را متوجه «سیستم» دانست، اما وی در جهت‌دهی سیاستهای اجرایی، تقویت پشتوانه رژیم استبدادی و ... نقش مؤثری داشته است، تا هویداها، علم‌ها، منصورها، ازاریها و ... فرمانهای شاه را اجرا نمی‌کردند استبداد در جامعه ایران نهادینه نمی‌شد. چرا که شاه با «ابزار» حکومت می‌کرد و این ابزار همان افراد اجرا کننده دستورها بودند.

محمد رضا پهلوی، امیر عباس هویدا را برگزید تا در زمانی که وی خواهان اجرای تمام دستورات و در دست گرفتن تمام ارکان حکومت بود، براحتی بتواند به اداره امور پردازد.

شاه به خیال خود هویدا را بدین لحاظ برگزید تا از خود چهره‌ای مردم‌پسند و دنیاپذیر ارائه دهد و رژیم را به عنوان حکومت مرفعی در اذهان مردمان متصور نماید، رژیمی که با شیوه‌های وحشتناک پلیس استبدادی خود، عنوان یک دیکتاتوری نظامی را با خود همراه داشت.

هویدا نوزدهمین نخست‌وزیر شاه در دوران سلطنت او بود، وی در شرایطی به نخست‌وزیری رسید که بدبینی شدیدی نسبت به شاه و اطرافیان او در بین مردم وجود داشت و طبیعی بود که این بدبینی دامن هویدا را نیز می‌گرفت، هر چند قبلاً نیز اثرات آن در دوران وزارت دارایی هویدا بروز و نمود یافته بود.

امیر عباس هویدا به هنگام روی کار آمدن نسبت به آینده کابینه‌اش بسیار امیدوار بود و به همین سبب این امید و آرزو را در سخنان خود نیز به تناسب شرایط ابراز می‌داشت.

### نقد برنامه‌های هویدا

امیر عباس هویدا به عنوان یک سخنور زبردست آنچنان از برنامه‌های خود سخن می‌گفت که گویی ایران آن زمان از قابلیت‌های لازم برای رسیدن به حد اعلای پیشرفت در ابعاد کاربردی برخوردار بوده، این تصور را ایجاد می‌نمود که بزودی ایران تبدیل به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان خواهد شد.

در حالی که این سخنان با واقعیات ایران آن روز به هیچ وجه انطباق نداشت. چرا که از یکسو صنایع مادر و پایه در حدی رشد و توسعه نیافته بود تا بتوان با امید به صنایع پیرامونی آن، چشم به آینده دوخت. اکثر صنایع ایران، مونتاژی و دست ساخته خارجی‌ان بود و فکر نیروهای داخلی کمتر مورد استفاده قرار گرفته بود. بسیاری از وام‌های خارجی دریافتی توسط دولت هویدا منجر به انباشتن هر چه بیشتر جیب‌های افراد و شخصیت‌های مرتبط با دربار شاهنشاهی می‌شد و وضعیت اقتصادی ایران به گونه‌ای نبود که بتواند در برابر واردات روزافزون، صادراتی متوازن داشته باشد؛ هر چند برآیندهای کلی اقتصادی در برخی سالها نشانگر رشد ظاهری اقتصاد ملی بود، اما در عین حال اقتصاد ایران با مشکلات پایه‌ای و بنیادین روبرو بود.

در دوران هویدا در زمینه اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری تلاش‌های محدودی صورت گرفت اما این تلاشها آنچنان ریشه‌ای و عمیق نبود و برخی از قوانین نیز با سنن و شرایط اجتماعی جامعه آن روز ایران چندان سازگاری نداشت و تصویب آنها منجر به بروز مخالفت‌های بسیار می‌شد.

اقدام دولت هویدا در ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی و صنعتی هر چند منجر به تمرکز سرمایه، تقسیم کار و مدیریت کلان صنعتی و کشاورزی در خدمت منافع دربار شد، از نظر دستیابی به عدالت اجتماعی موفقیت چندانی در پی نداشت. (۱۴) چرا که با توجه به روابط خان منش و ارباب سالاری حاکم بر جامعه و ارتباط

عناصر و ارکان قدرت با یکدیگر شرایط برای دستیابی قشر ضعیف جامعه به ثروتهای ملی موجود فراهم نبود و در چنین وضعیتی زمینه برای فقیرتر شدن هر چه بیشتر فقرا، دهقانان و رنج‌دیدگان جامعه فراهم می‌شد و از سوی دیگر بر ثروت و اندوخته عده‌ای انگشت شمار روز بروز افزوده می‌شد.

هویدا یکی از برنامه‌های خود را «توزیع عادلانه‌تر درآمد» بیان کرده است، برنامه‌ای که اصلاً توفیقی در آن حاصل ننمود. چرا که در دوران وی نه تنها اختلاف طبقاتی بین اقشار جامعه کاهش نیافت بلکه زمینه برای مال‌اندوزی و انباشت ثروت توسط عده‌ای خاص فراهم گردید. (۱۵)

در دوران هویدا نه تنها وابستگی کشور به محصولات خارجی کاهش نیافت بلکه به طرز ویرانگری شیوع یافت. از یکسو سطح کیفی تولیدات داخلی پایین بود و از سوی دیگر کارخانجات داخلی نیز در رفع نیازمندیهای کشور از توانمندیهای لازم برخوردار نبودند. از سوی دیگر صادرات کالا نیز وضع چندان مساعدی نداشت و صادرات ایران بیشتر جنبه صدور خشکبار، فرش، نفت و امثال اینها را داشت و ایران در صدور کالاهای سرمایه‌ای و صنعتی ثانویه بسیار ناتوان بود. در مقابل روز به روز وابستگی کشور نسبت به محصولات خارجی افزایش می‌یافت.

در زمینه روابط خارجی و سیاست برون مرزی «سیاست مستقل ملی» دولت هویدا فقط در حد حرف و سخن باقی ماند و جلوه عملی و نمود خارجی نیافت، چرا که وابستگی دولت هویدا به کشورهای بیگانه و دخالت این کشورها در شؤون مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... این کشور امری بدیهی و غیر قابل انکار بود.

سخن از «احترام کامل به منشور ملل متحد و انجام هرگونه همکاری لازم با سازمان ملل در این زمینه»، حرفی کاملاً بی محتوا و غیر واقعی بود چرا که اسناد مکتوب و شواهد عینی به جا مانده از عملکردهای پلیسی و وحشتناک رژیم در سازمان اطلاعات و امنیت کشور، جای هیچ گونه دلیل و برهان دیگری را باقی نمی گذارد. از سوی دیگر حق

## □ برخی از صاحب نظران تاریخ معاصر ایران در مورد علت و رمز بقای هویدا در دوران سیزده ساله نخست وزیری محمدرضا بر این باورند که در پیش گرفتن روش «بله قربان گویانه» و اجرای «سیاست خنثی» از مهمترین عوامل پایداری طولانی مدت هویدا در مسند قدرت است.

آزادی بیان که از حقوق نخستین و مسلم انسانی در بستر يك جامعه متمدن است، به هیچ وجه رعایت نمی شد و سانسور شدیدی بر رسانه های گروهی نوشتاری و دیداری حاکم بود.

راز صدارت امیر عباس هویدا

هویدا یکی از طولانی ترین دوره های نخست وزیری ایران را تجربه کرد و از بهمن ماه سال ۱۳۴۳ تا مرداد ماه سال ۱۳۵۶ نخست وزیر ایران و شخص درجه دوم کشور بود و در بسیاری از مسایل اجرایی نقش داشت.

رمز بقای کابینه امیر عباس هویدا و صدارت بلند مدت وی در این بود که او با تمام گروه های داخل حکومت یا خودیهای نظام شاهنشاهی از در سازش وارد می شد و با آنها می ساخت.

هویدا برای هیچ يك از سکاتداران قدرت خطر فوق العاده محسوب نمی شد. وی در تمام دوران صدارتش، دزدیها، فسادها، اختلاسها و رشوه خواریها را با چشمان خویش می دید، همه را تحمل می نمود و خم به ابرو نمی آورد. بنابراین روشن است که با این توصیف شاه هویدا را مطلوب خود می دانست چرا که وی نخست وزیری مطیع و در خدمت «اوامر ملوکانه»!! بود و در مسایل جنجالی دخالت چندانی نمی کرد.

برخی از صاحب نظران تاریخ معاصر ایران در مورد علت و رمز بقای هویدا در دوران سیزده ساله نخست وزیری محمدرضا بر این باورند که در پیش گرفتن روش «بله قربان گویانه» و اجرای «سیاست خنثی» از مهمترین عوامل پایداری طولانی مدت هویدادر مسند قدرت است. اینان در تکمیل سخن خود چنین می گویند که شخصیتهایی همچون هویدا از دید کلان قدرت دارای تاریخ مصرف معینی هستند و پس از انقضای زمان مصرف و انقضای شرایط جدید سیاسی و اجتماعی کنار گذارده شده، جای آنها را افراد دیگری می گیرند.

دلیل دیگر بقای هویدا در مسند قدرت مربوط به يك ویژگی مهم فردی اوست. امیر عباس از نظر فرصت طلبی و موقعیت شناسی بسیار استاد و متبحر بود. وی دلیل برکناری دائمی نخست وزیران پیشین را به خوبی دریافته بود و می دانست که ایجاد اصطکاک و برخورد با مواضع شخص اول مملکت، هر آن ممکن است کابینه وی را در معرض سقوط قرار دهد. به همین دلیل هویدا با در پیش گرفتن «سیاست سکوت» در تحقق آرزوی دیرینه شاه یعنی در اختیار گرفتن قدرت مطلق در سیستم حکومتی زمینه را برای دوام هر چه بیشتر خود فراهم آورد.

علت دیگر را باید در شناخت هویدا نسبت به نقشی دانست که يك نخست وزیر در شرایط حساس و بحرانی باید داشته باشد، نقشی که عدم توجه به جنبه های مختلف آن دولت وی را در پرتگاه مرگ قدرت قرار می داد.

خصوصیات فردی هویدا به همراه کلیه عوامل فوق زمینه را برای ثبات کابینه فراهم آورده، امنیت خاطر شاه را از عملکرد هویدا در پی داشت. افزون بر این عضویت امیر عباس هویدا در سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نیز از دلایلی بود که باعث جلب اعتماد هر چه بیشتر شاه نسبت به هویدا می شد و شاه ایران از این که نخست وزیر ایران دارای دید امنیتی و اطلاعاتی است، اظهار رضایت می کرد و نسبت به این امر امنیت خاطر فراوانی داشت.

در هر صورت در خیال گونه بودن این سخنان جای هیچ شک و تردیدی نیست.

### هویدا و مسأله بهاییت

در دوران صدارت هویدا تعلق او به بهاییت شهرتی وسیع یافت و ابقای نخست وزیری که از نظر معیارهای مذهبی مردم به شدت منقور بود، عمق بی اعتنایی شاه را به افکار عمومی نشان می داد.

یکی از چیزهایی که فرقه بهاییت به ظاهر روی آن تأکید می کند این است که بهایی گری با مسایل اساسی حکومت و سیاست يك جامعه هیچ ارتباطی ندارد و در جلسات، همایشها و کنفرانسهای بهاییت بر این مسأله پافشاری می شود. اینان به ظاهر خود را تابع و پیرو حکومت موجود در منطقه خود می دانند اما این ادعا با واقعیات و حقایق رفتارشناسانه فرقه بهاییت چندان همخوانی ندارد.

مسأله بهایی گرای و نسبت بهاییت برای هویدا آثار اجتماعی بدی را به دنبال داشت. جامعه ایران به عنوان يك جامعه مذهبی نسبت به بهاییت با دید يك گروه گمراه و خارج از دین نگاه می کند و این فرقه از دید مردم، فرقه ای مذموم و ناپسند است. به همین سبب این امر در کاهش محبوبیت هویدا نقش بسزایی داشت و شاه ایران در واقع با گزینش هویدا به عنوان نخست وزیر به این مسأله بسیار مهم اجتماعی - که در دوام حکومت او نیز مؤثر بود - توجهی نکرد.



مسأله عدم توجه شاه نسبت به قضیه یاد شده، مخالفت برخی از سردمداران سیاسی نظام شاهنشاهی را نیز به دنبال داشت. به عنوان مثال یکی از ستاتوره های برجسته رژیم شاهنشاهی در يك گفتگوی خبری چنین اظهار نظر نموده است که: «حیف است به این مملکت و این ملت کسی چون هویدا - که بهایی است - حکومت کند. من به امر اعلیحضرت همایون شاهنشاه به این دولت رأی موافق دادم ولی این شخص [هویدا] لیاقت چنین کاری را ندارد.» (۱۶)

در دوران شاهنشاهی نهادی به نام سازمان جهانی صهیونیسم در ایران تشکیل شد و در جهت حمایت از یهودیان فعالیت می کرد این سازمان در زمان حکومت دکتر محمد مصدق تعطیل گردید و کانون نمایندگی سیاسی اسراییل در ایران بسته شد و اداره امور و فعالیت های مربوط به جاسوسی اسراییلیان در ایران به اتحادیه یهودیان سپرده شد. (۱۷)

راستای خدمت به یهودی گری ادامه دادند و دست به تلاشهای گوناگون زدند و در این ارتباط برخی بر این باورند که: «امیر عباس هویدا نیز به دست عناصر با نفوذ و نقابدار بهایی مأمور خدمت در سازمان ملل متحد گردید.» (۱۸)

هویدا در طول مدت فعالیت خود در سازمان ملل به عنوان یک فرد مسلمان مشغول به کار بود و به عنوان نماینده سیاسی ایران به وضع یهودیان سر و سامان می داد. پس از این با شروع کار نخست وزیری هویدا بهاییان درصدد تصاحب قدرت برآمدند و به دنبال پیدا کردن راههای نفوذی جدید برآمدند و توانستند در کابینه اول هویدا چند وزارتخانه مهم را تصاحب کنند (وزارتخانه های دارایی، جنگ، اطلاعات، آب و برق). هویدا در مدت حکومت خود با به کار بستن تصمیمات کادر رهبری کمیته، نفوذ بهاییان را در همه سطوح سیاسی، اقتصادی و نظامی به حد کامل گسترش

رییس کنگره حزب ایران نوین سابق در همین مورد چنین می گوید: هویدا... پدرش از سران بهایی به شمار می رفت ولی مادرش شیعه اثنی عشری بود که به مکه و کربلا سفر می کرد و خبر مسافرت او به خصوص در روزنامه ها نوشته می شد که به شایعه بهایی بودن هویدا خاتمه داده شود. به نظر من هویدا نه تنها بهایی نبود بلکه اساسا پایبند اعتقادات مذهبی نبود ا ولی در کشوری که قانون اساسی آن به شیعه دوازده امامی و مذهب جعفری اشارت فراوان دارد می کوشید وضع خود را با قانون اساسی منطبق سازد به همین جهت مورد گله بهایی ها هم بوده است... (۲۱)

در دوران شاهنشاهی یکی از مسایل مهمی که توسط اداره کل سوم ساواک با دقت دنبال می شد بهاییت بود اداره کل سوم بولتن های نویسی (سه ماهه) تنظیم می کرد که یک نسخه از آن از طریق دفتر ویژه اطلاعات به محمدرضا می رسید این بولتن

کوتاهی نکرد و آنها هم به نوبه خود در انحطاط اقتصاد مملکت تلاش کردند (۲۲)

### هویدا و فراماسونری

فراماسونری (Fremasonry) (۲۳) که زبان و ادبیات فرانسه دارای مفهومی خاص و مشخص است. از نظر واژگانی، واژه فراماسونری در بردارنده مفهوم «بنای آزاد» می باشد و نام نوعی انجمن پنهانی است که دارای مقررات ویژه خود در زمینه های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی بوده و در این زمینه ها فعالیت می کند. افراد انجمن مخفی برای گروه ها و مجمع خود عنوان «لژ» را به کار می برند و به اعضای لژ ماسون می گویند. این واژه در زبان و ادبیات فارسی به عنوان «فراموشخانه» نیز به کار می رود.

در مورد وابستگی امیر عباس هویدا به فراموشخانه ها اسناد متعددی در دست می باشد که گویای مشارکت امیر عباس در لژهای مختلف بوده است. هویدا در لژهای لایت، ایران، کورش، تهران، فروغی و مولوی حضور داشته است.

هویدا یک فراماسونر بود و در زمان نخست وزیری او ایران میدانگاه لژهای فراماسونری شد. خود هویدا تا حد امکان شخصا از شرکت در جلسات لژها خودداری می کرد. این شرکت نکردن به منزله عدم عضویت وی در انجمنهای فراماسونری نیست بلکه او با این کار خود درصدد جلب حمایت مردمی و جلوگیری از ایجاد چهره منفور از خود بوده است. (۲۴)

در دوران امیر عباس هویدا کمکهای زیادی برای احداث ساختمانهای فراماسونری در ایران صورت گرفت که اسناد و مدارک تاریخی آن در مراکز اسناد موجود است. (۲۵)

### تبعید امام خمینی (ره)

در زمان صدارت هویدا، وقایع و رخداد های مهم اجتماعی به وقوع پیوست که از جمله مهمترین آنها تبعید امام خمینی (ره) از ایران در سال ۱۳۴۳ بود. این تبعید با مخالفت های بسیاری از سوی توده های مردم رو به رو شد. دبیر کل سازمان ملل نیز در مقام بررسی درخواست دانشجویان ایرانی نامه ای به نمایندگی ایران در سازمان ملل می فرستد و خاطرنشان می کند که موضوع تبعید امام و فهرست نامه های محرمانه کمیسیون حقوق بشر منعکس خواهد شد و یادآور می شود که دولت ایران می تواند نظریات خود را در پاسخ این نامه به دبیر خانه سازمان ملل متحد ارسال دارد. وزارت خارجه ایران نامه مزبور را به ساواک تسلیم می کند و می خواهد در صورتی که پاسخ را لازم می دانند آن سازمان را از مفاد آن مطلع کنند که مراتب به دبیرخانه سازمان ملل متحد رسانده شود.

به دنبال رسیدن این نامه، گنجی، سردرگمی و نگرانی شگرفی مقامات ساواک را فرا می گیرد. مغزهای متفکر ساواک! فوراً گرد هم آمده کمیسیونی تشکیل می دهند تا به اصطلاح چاره ای برای این موضوع بیابند و راه حلی ارائه دهند. لیکن در کمیسیون به سبب سردرگمی نمی توانند نظر قاطعی بدهند و تصمیم واحدی بگیرند؛ پس از رایزنی، هر



مفصل تر از بولتن فراماسونری بود، اما محمدرضا از تشکیلات بهاییت و بخصوص افراد بهایی در مقامات مهم و حساس مملکتی اطلاع کامل داشت و نسبت به آنها حسن ظن نشان می داد. اصولاً رضاخان نیز با بهاییان روابط خوبی داشت. تنها یک بار موفقیت بهاییت به خطر افتاد و آن زمانی بود که فلسفی [روحانی مبارز] حملات شدیدی را علیه بهاییت شروع کرد و محمدرضا برای آرام کردن مردم دستور تخریب حوضیه القدس، مرکز مقدس بهاییها در تهران و خارج شدن عبدالکریم ایادی (از خانواده طراز اول بهاییت) از ایران را داد. ایادی حدود نه ماه به ایتالیا رفت و وقتی آنها از آسیاب افتاد، به ایران بازگشت. به طور کلی در دوران محمدرضا و نفوذ ایادی در دربار، بهاییهای ایران بسیار ترقی کردند و ثروتمند شدند و ایادی هر چه از دستش برآمد در کمک به آنها

داد تا بدان حد وقتی رییس دانشگاه تهران خواست با احضار دکتر احسان اله یار شاطر، استاد بهایی الاصل فرهنگ و تاریخ ایران در آمریکا، جلو کارهای تخریبی و ضد ملی و مذهبی او را بگیرد، مورد غضب هویدا قرار گرفت و از ریاست دانشگاه تهران برکنار شد. (۱۹)

در مورد بهایی بودن هویدا برخی با دیده تردید نگریسته و برخی نیز او را قطعاً بهایی دانسته اند به عنوان مثال در کتاب «سی و هفت سال» نوشته احمد سمیعی چنین آمده است: «... ضمناً این حقیقت را نمی توان منکر شد که امیر عباس هویدا یکی از اعضای فراماسونری بود و در بهایی بودن پدرش هم شکی باقی نیست. اگر چه به نظر می رسد خود امیر عباس اصولاً پایبند هیچ آیین الهی یا فرقه ای نبود» (۲۰) در مقابل این دیدگاه، دیدگاه کاملاً مخالف نیز وجود دارد. دکتر مصطفی الموتی

يك برای بیرون رفتن از بن بست، اظهار نظر می کنند حال که می دانند راه چاره نیست و دردی را درمان نمی کند.

هر روز گزارشی از اعمال خشونت در مورد چگونگی تبعید امام خمینی (ره) از گوشه و کنار کشور به دست می آمد، و از طرفی مرتب شایعه هایی مبنی بر تغییر محل تبعید امام و یا کسالت او بر سر زبانها می افتاد و نگرانی می آفرید.

در هر صورت با تبعید امام خمینی موج مخالفت های مردمی آغاز گردید و این مخالفتها از یکسو نشانگر عدم تایید عملکرد رژیم و از سوی دیگر نشانگر منفور بودن آن در نظر مردم بود و در این میان دولت امیر عباس هویدا نیز از این نفرت همگانی بی نصیب نماند و زبانه این آتش خودافروخته، دامن گایینه را نیز گرفت و بر بی اعتباری مردمی آن بیش از پیش افزود.

امام خمینی در پیامی به امیر عباس هویدا با صراحت و قاطعیت دیدگاه های خود را بیان می کند و روی جرمها، قانون شکنیها و بیدادگرهای رژیم ایران یکی از پس دیگری انگشت می گذارد و خیانت های آنان را به اسلام و ایران یکایک برمی شمرد و بر جشنهای ضد اسلامی که هر روز به هر مناسبتی بر ملت محروم و فقیر ایران تحمیل می شود اعتراض می کند. امام بار دیگر رسالت تاریخی خود درباره فلسطین اشغال شده و مبارزه با اشغالگران صهیونیسم را دنبال می کند و به همکاری شاه با صهیونیسم و بازگذاشتن دینت آژانس یهود در ایران اعتراض کرده، آن را محکوم می کند:

«با اسرائیل دشمن اسلام و آواره کننده بیش از يك میلیون مسلمان بی پناه پیمان برادری ننسیدید، عواطف مسلمین را جریحه دار نکنید، دست اسرائیل و عمال خائن آن را به بازار مسلمین بیش از این باز نکنید، اقتصاد کشور را به خاطر اسرائیل و عمال آن به خطر نیندازید، ... فرهنگ را فدای هوس آنها نکنید ... از قهر خدا بترسید، از قهر ملت بهراسید ...» (۲۶)

امام در پایان این پیام تاریخی که در بردارنده دفاع از پابرهنگها، ستم دیده ها و همه اقشار زیر ستم است، در مقام بسیج مقامات روحانی و گویندگان مذهبی و قشر جوان روشنفکر و اصناف مختلف علیه رژیم پهلوی درمی آید و نسبت به مدعیان بشردوستی و سازمان ملل که وظیفه خود را حفظ حقوق انسانی می دانند، هشدار می دهد و برای آخرین بار با رژیم ایران اتمام حجت می کند.

این پیام آخرین پیامی است که امام خمینی (ره) برای پسند دادن و اتمام حجت به یکی از مسؤولان رژیم شاه فرستاد و چنان که خود در این پیام یاد کرده است: «من وظیفه دارم شما را نصیحت کنم» رسالت ارشاد، پند و موعظه که بر دوش او قرار دارد ایجاب می کرد که با دولت طاغوت در اولین برخورد با لحن پند و نصیحت سخن بگوید چنان که با دولتهای پیشین نیز این گونه برخورد کرده بود. هیچ گاه پیش از پند و اندرز و اتمام حجت به مبارزه و ستیزه با آنان برنخاست.

نامه یاد شده نشانگر عمق حساسیت امام خمینی به مسایل جاری جامعه آن زمان و بیانگر ظلم و ستم دستگاه حاکم می باشد، ظلم و ستم هایی که هر يك بیانگر گوشه هایی از ماهیت تاریک رژیم شاهنشاهی است.

هویدا و برگزاری جشنهای شاهنشاهی یکی از نمونه های بارز یغماگری و اسراف در اموال بیت المال در دوران شاهنشاهی و دوره حکومت هویدا برگزاری جشنهای شاهنشاهی است؛ جشنهایی که هر يك مقادیر زیادی از

□ امام خمینی (ره) در پیامی به هویدا با صراحت و قاطعیت روی دیدگاه های رژیم یکی پس از دیگری انگشت می گذارد و به جشنهای شاهنشاهی که موجب استضعاف مردم می شوند، اعتراض می کند.

□ شاه در ماههای آخر سلطنت خود برای حفظ حکومت به انجام هر کاری حتی اعدام هویدا از طریق يك محاکمه نمایشی نیز راضی بود، گرچه به چنین اقدامی دست نزد.

□ برخی هویدا را روبه مزاج می دانستند چرا که وی با حيله و فریب، در مواقع تنگنا راه را به بیراهه می زد. او همواره با زیرکی خاصی پرسشها را با لبخند و سخنان فکاهی بی اهمیت جلوه می داد.

سرمایه ملی مملکت را بدون هیچ گونه نتیجه مثبتی به باد فنا می داد در حالی که عده زیادی از مردم در فقر و بیچارگی روزگار را سپری می کردند و تازیانه استضعاف هر روز بر بدن ضعیف و نحیف آنان نواخته می شد.

جشنهای شاهنشاهی و تبلیغات مربوط به آن از یکسو نشانگر دلخوش بودن رژیم به گذشته ایران بود و از سوی دیگر بیانگر این امر بود که رژیم به مسایل پایه ای و بنیادین آنچنان که در حرف می گوید پایبند نیست.

افراط در جشنها و هزینه های گزاف و سرسام آور آن، زمینه ای برای مخالفت های گسترده در سراسر کشور را فراهم آورد.

امام خمینی در سال ۱۳۴۶ درباره جشنهای شاهنشاهی در پیامی به هویدا چنین گفتند: «جشنهای غیر ملی که به نفع شخصی در هر سال چندین مرتبه تشکیل می شود و در هر مرتبه مصیبت های جانگداز برای اسلام و مسلمین و ملت فقیر پابرهنگ ایران به بار می آورد، تا این ملت در این حال است و به وظیفه خود و حقوق خود آشنا نشده است، هر روز برای شما عید و شادی و برای ملت بدبختی و نکبت است. توأم با این جشنهای نامیمون انقدر هتک نوامیس مسلمین و اسلام بوده است که قلم را عار است از ذکر آن ...» (۲۷)

هویدا و فساد هیأت حاکم با روی کار آمدن امیر عباس هویدا به عنوان نخست وزیر رژیم شاهنشاهی ایران فساد موجود در دستگاه حکومت رو به فزونی نهاد. دلیل اصلی این امر از يك سو فقدان نظارت حکومتی و از سوی دیگر افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ میلادی بود.

ارتشبد حسین فردوست در مورد فساد مالی خاندان پهلوی بویژه در دوران هویدا چنین می گوید: «طی سالها حضور در دفتر ویژه اطلاعات و بازرسی شاهنشاهی با هزاران مورد اختلاس و ارتشاء در سطح مقامات عالی رتبه کشور آشنا شدم که به ذکر برخی نمونه ها می پردازم: در دوران مسئولیت در بازرسی متوجه شدم که اصولا موارد سوء استفاده و حیف و میل نهایت ندارد. در دوران سیزده ساله هویدا همه را می چایندند و او نسبت به این وضع بی تفاوت بود در صورتی که یکی از مهمترین وظایف رئیس دولت جلوگیری از فساد و حیف و میل اموال دولتی است در هیچ زمانی به اندازه دوران هویدا فساد گسترده نبود و او چون جلب رضایت محمدرضا را می طلبید نمی خواست کسی - و در نهایت محمدرضا - را از خود ناراضی کند و به همین دلیل نیز صدارت او طولانی شد.

از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۷ تنها در بازرسی (قسمت تحقیق آن) ۳۷۵۰ پرونده سوء استفاده کلان تشکیل شد که عموما به دادگستری ارجاع گردید و در این زمینه اصلا پیشرفتی وجود نداشت. همه پرونده ها طبق دستور شفاهی نخست وزیر به وزیر دادگستری بایگانی می شد و محمدرضا نیز اهمیتی به این امر نمی داد. (۲۸)

فساد در دوران حکومت هویدا آثار زیانبار سیاسی برای حکومت پهلوی در پی داشت که علاوه بر اثرات سیاسی دارای جنبه های زیر نیز بود:

- ۱- جنبه اخلاقی و اثرات درون ساختاری و میان بافتی حکومت شاهنشاهی
- ۲- جنبه اجتماعی و آثار فراترگانه و مردم شناختی ناشی از آن.

۳- جنبه فرهنگی و تضعیف بنیادها و پایه های معنوی.

۴- جنبه مالی و اقتصادی و فشار بر توده های ضعیف و آسیب پذیر جامعه.

یکی از نویسندگان درباره فساد حاکم در دوران پهلوی چنین می گوید:

«من بارها در طول سالیان اخیر لزوم مبارزه با چنین فسادهایی را با شاه در میان نهاده ام! ولی او

نگران شده بود (۳۲)

شاه قبل از انتخاب جیمی کارتر یک سری کارهای نمایشی و سمبلیک برای دموکرات نشان دادن سیستم حکومتی خود انجام داد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

- ۱- کاهش فشار سیاسی در دستگاه حکومتی.
- ۲- کاستن از میزان سانسور.
- ۳- تشکیل گروههای بررسی شکایات مردمی.
- ۴- تبلیغات بیش از حد درباره موفقیتهای حکومت در مورد اجرای اصول چندگانه انقلاب به اصطلاح سفید شاهی.

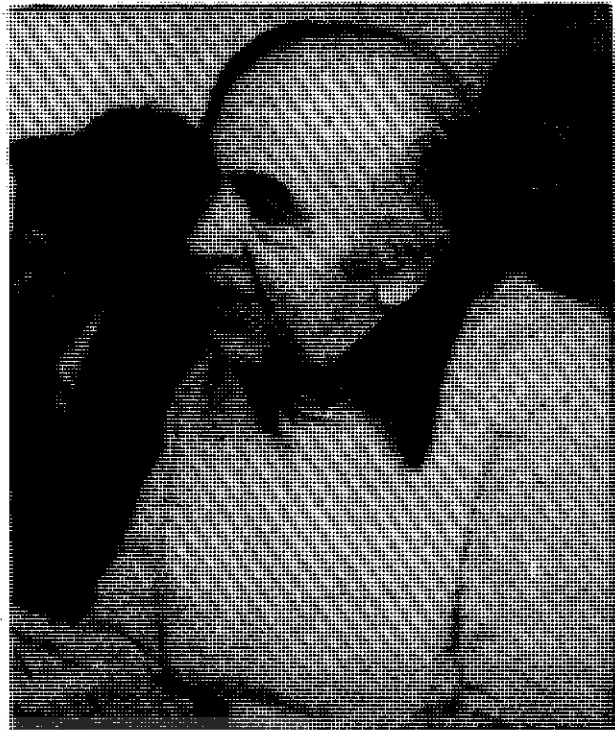
۵- گسترش و توسعه سیستم یک حزبی (حزب رستاخیز ایران)

این اقدامات هر چند به ظاهر زمینه را برای دوام حکومت پهلوی فراهم می کرد اما بنا به هیچ وجه تضمین اطمینان بخشی به دولتمردان ایالات متحده آمریکا برای دوام حکومت شاهنشاهی - که حافظ منافع آمریکا در منطقه خاورمیانه بود - تلقی نمی شد.

جیمی کارتر با تأکید بر این که از دولتهای استبدادی و خودکامه حمایت نخواهد کرد و نسبت به حقوق بشر تأکید دارد، زمامدار شد و در واقع با طرح این موضوع خواست تا چهره جنگ طلب و تجاوزگری خود را تبدیل به یک قیافه صلح جو و مدافع دموکراسی نماید و لذا با توجه به مورد ایران که یکی از حساسترین نقاط دنیا محسوب می شد و یک سیستم حکومتی دیکتاتوری بر آن حکمرانی می کرد سیاست جدید آمریکا بایستی اعمال می شد و شاه که نسبت به خود شك و تردید داشت و از آینده حکومتش نگران بود از خود شتابزدگی نشان داد و با اعلام فضای به ظاهر باز سیاسی در کشور دست گروههای مخالف و آزادیخواه را برای انجام فعالیت سیاسی به میزان محدودی باز گذاشت و این انعطاف پذیری محدود در امور سیاسی مانع از ادامه راه مبارزین و انقلابیون نشد و بی محتوایی شعار حقوق بشر کارتر نیز بر مردم ثابت شد تا این که سرانجام به قیام بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم انجامید. (۳۳)

شاه در ماههای آخر سلطنت خود برای حفظ حکومت حاضر به انجام هر کاری حتی اعدام هویدا از طریق یک محاکمه نمایشی نیز بود. هر چند که به چنین اقدامی دست نزد. در تأیید این مطلب باید گفت که بختیار پیشنهاد محاکمه نمایشی و اعدام هویدا را مطرح کرده بود و مورد موافقت شاه نیز قرار گرفته بود که سند مربوط به این امر در کتاب بازگشایان عصر پهلوی از فروغی تا فردوست اثر محمود طلوعی آمده است. اما روشن نیست که چرا شاه دست به اعدام هویدا نزد. شاید با اعدام او و محکومیتش در واقع به طور غیر مستقیم خود شاه نیز محکوم می شد چرا که هویدا مجری دستورات محمدرضا شاه بود و رابطه آنها رابطه امر و مأمور تلقی می شد.

با توجه به این مسائل و برای تثبیت وضع موجود دستور بازداشت برخی از برجستگان حکومتی و از جمله هویدا به گونه ای مصلحتی صادر شد. پس از بازداشت هویدا، برخی از رسانه های



در تفسیرهای خود علل اصلی کناره گیری هویدا را خستگی در برابر حجم روزافزون کار، ضرورت جوانتر کردن کابینه و نیاز ایران به موضعگیریهای تازه در بعضی زمینه ها ذکر کردند.

نقش آمریکا در برکناری هویدا

با روی کار آمدن جیمی کارتر در ایالات متحده آمریکا به محمدرضا شاه پهلوی تکان شدیدی وارد شد و به سان یک شوک الکتریکی شاه نسبت به طرح مسأله فضای باز سیاسی تحریک و ترغیب شد و بدین سان وعده آزادی انتخابات مطرح گردید. در کنفرانس سالانه شورای وزیران ستو که در فروردین ۱۳۵۶ در تهران تشکیل شد شاه ایران مورد اعتراض وزرای خارجه آمریکا و انگلیس واقع شد و نسبت به رعایت حقوق بشر و تعدیل رژیم دیکتاتوری به وی تذکر داده شد به طوری که بعد از سه ماه از این ملاقات امیر عباس هویدا پس از ۱۳ سال نخست وزیری از کار برکنار شد. (۳۴)

علت برکناری هویدا از سوی شاه - دلایل زیر بود: ۱- می خواست با این کار حکومت شاهنشاهی را مصمم به اجرای دکترین کارتر مبنی بر ایجاد فضای باز سیاسی و تعدیل رژیم توتالیتر نشان دهد. ۲- شاه در صدد بود تا با تغییر نخست وزیر همه مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را به گردن او بیندازد.

۳- دلیل دیگر اقدام شاه به خاطر احساس خطر کردن وی از نیروهای فعال داخلی موجود در ایران بود.

محمدرضا شاه پس از این به ایجاد ظاهری فضای باز سیاسی همت گمارد و اقدام وی در ایجاد فضای باز سیاسی با انتخاب جیمی کارتر به ریاست جمهوری آمریکا شدت بیشتری به خود گرفت. شاه که سخت مایل بود که دوستش جerald فورد در انتخابات پیروز شود از این که کارتر دموکرات به ریاست جمهوری رسیده بود بسیار

هرگز متوجه نشد که این گونه فسادها جدا از جنبه اخلاقی، از نظر اجتماعی و سیاسی هم مضر است و بایستی هر چه زودتر ریشه کن شود... (۳۵) یکی دیگر از جنبه های فساد در دوران هویدا مربوط به مسائل بی بند و باری و فحشا بود که در این دوران ترویج فساد و فحشا امری رایج و عادی شده بود.

با افزایش درآمدهای نفتی ایران در دهه هفتاد میلادی زمینه برای ریخت و پاشهای فراوان و خرج تراشیهای گوناگون فراهم گردید. فرد هالییدی در قسمتی از یادداشتهای خود در این مورد چنین آورده است:

«بخش عظیمی از درآمد نفت در راههایی مصرف شد که به توسعه ظرفیت و قدرت تولید ایران کمکی نکرد. واضح ترین نمونه های این واقعیت مخارج نظامی و خدمات است، مخارج نظامی دائما بخش بزرگتری از سرمایه های کشور را در مقام مقایسه با صنعت به خود اختصاص داده است. و با وجود برخی منافع غیر مستقیم به اقتصاد کشور، مخارج نظامی را باید زیان خالص و مطلق توسعه اقتصادی ایران به حساب آورد» (۳۶)

هر چند هویدا از فساد شدید در دستگاه حکومتی و مجموعه زیردستان خود باخبر بود اما علی رغم این امر وی ظاهر کار را حفظ می کرد و در مورد فساد موجود در دستگاه حکومت چندان زبان به سخن نمی گشود و آنچه را به حقیقت می دید در مقام سخن و مقام بیان بازگو نمی کرد، دلیل این امر از یک سو به خاطر حفظ هر چه بیشتر نخست وزیری و از سوی دیگر به جهت حفظ حس اعتماد شاه نسبت به خود بود.

امیر عباس هویدا پس از ۱۳ سال نخست وزیری در دوران محمدرضا پهلوی در تاریخ مرداد ۱۳۵۶ استعفا کرد و خیر استعفا دولت او در سراسر جهان انعکاس یافت. اکثر خبرگزاریها و روزنامه ها



گروهی غرب به حمایت از نخست وزیر پیشین حکومت شاهنشاهی پرداختند. نخست وزیری که در ۱۳ سال صدارت خود فشار زیادی را به توده مردم وارد ساخت.

هویدا پس از بازداشت و توقیف در محل مهمانسرای ساواک (هتل ساواک) واقع در روستای شیان در شمال شرق تهران به سر می برد و با او مثل یک زندانی رفتار نمی شد. پس از این او به زندان

## □ هویدا دلیل برکناری دائمی نخست وزیران پیشین را بخوبی دریافته بود و می دانست که ایجاد اصطکاک و برخورد با مواضع شخص اول مملکت، هر آن ممکن است کابینه وی را در معرض سقوط قرار دهد.

اوین انتقال داده شد و در آنجا نیز در واقع در زندان نبود گویی که در اتاق کارش در دوران نخست وزیری به سر می برد. شاهد این امر مطالب نویسنده یک نشریه زمان شاه است که بر اساس دیدار خود با هویدا در زندان اوین نگاشته است این نویسنده چنین آورده است که:

«از زندان اوین داستانها شنیده بودیم زندانیهایی که از آنجا آمده بودند بیشتر برایمان از سیاهچالها و سلولهای تنگ و تاریک و شکنجه ها گفته بودند. وقتی قرار شد هویدا را در زندان اوین ببینیم فکر کردیم در یکی از همین سلولها ملاقاتش خواهیم کرد ولی به آنجا که رسیدیم هیچ یک از این تصورات درست از آب درنیامد... (۳۲)»

پس از پیروزی انقلاب و با استقرار حکومت اسلامی بسیاری از سردمداران و وابستگان حکومت شاهنشاهی دستگیر و محاکمه گردیدند و احکام صادر شده از مراجع قضایی در مورد آنان اجرا گردید. در این میان هویدا نیز توسط دادگاه انقلاب اسلامی ایران محاکمه و اعدام شد.

امیر عباس هویدا هم در طول محاکمه خود همچون اکثر رجال رژیم گذشته خود را از اتهامات مبرادانسته و سیستم و جامعه را مقصر قلمداد نمود. ایشان در واقع فراموش کرده بودند که خود به عنوان رؤسای دوقوه مقننه و مجریه در حقیقت شکل دهنده و استمرار دهنده آن بودند.

در یک نتیجه گیری کلی باید گفت که دوران نخست وزیری امیر عباس هویدا از دیدگاه انسانی و اجتماعی به دلایل زیر دورانی سیاه و تاریک بود:

- بی توجهی به شرایط اجتماعی جامعه ایران و نیازهای متناسب اجتماعی و فرهنگی مربوط به آن.  
- نامتناسب بودن ساختار حکومتی با شرایط و جو اجتماعی حاکم شده بر ایران با توجه به رشد نهضت های آزادیخواهانه در سراسر جهان و منطقه خاورمیانه.

- بی توجهی به خواسته های توده مردم و توجه نمودن محض به گروه های خاص وابسته به دربار، حکومت و دولت.

- فشار شدید حکومتی و ایجاد تنگناهای فراوان توسط ابزار و ارکان قدرت برای توده های فرهنگی و روشنفکر جامعه.

- نبودن آزادی مطبوعات، آزادی گفتار و نوشتار، آزادی نقد تفاسیر رسمی حکومتی از پدیده های اجتماعی موجود.

- وجود جو رعب، وحشت و خفقان حاکم بر جامعه و تقویت آن از طریق عناصر وابسته به حکومت.

- وجود شکنجه و آزار و اذیت در زندانها، بازداشتگاهها و شکنجه گاهها و توجیهات حکومتی در جهت تقویت این امر.

- عدم همراهی دولت با خواسته های عمومی ملت و همراهی و اطاعت محض او از خواسته های خصوصی شاه، خواسته هایی که عموماً در تقابل با خواسته های ملت بود.

- شفاف نبودن سیاست های حاکم بر جامعه در ابعاد درون کشوری و داخلی.

- در پیش نگرفتن راهبردهای منطقی برای دست یابی به استقلال سیاسی در سطح منطقه و جهان.

- وجود فشارهای روز افزون اقتصادی و فشار آن بر گرده توده ضعیف ملت و عدم حمایت اساسی از این توده ضعیف.

- آزاد نبودن سردمداران حکومت و سیاستمداران سرزمین ایران در زمینه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی.

- نداشتن سیاست های کلان فرهنگی روشن و نبود برنامه برای تضمین جامعه ایران در جهت رسیدن به یک بستر امن فرهنگی.

- به دور بودن کانونهای علمی و فرهنگی جامعه از حمایت های عناصر قدرت و فشار این عناصر به این مراکز و نهادها.

- وجود دیوار بی اعتمادی بین ملت و دولت و حکومت و مردم.

- نبودن استقلال ملی و وابستگی روزافزون به بیگانگان و ...

با توجه به موارد فوق بخوبی می توان دریافت که جامعه ایران در چه شرایطی به سمت تحولی نوین در زندگی اجتماعی گام برداشت و نهضتی را برای دستیابی به عدالت اجتماعی و حکومت مردمسالار پی نهاد. نهضتی که نسیم آن در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی وزیدن گرفت؛ وزیدنی که هدف غایی آن از بین بردن کاخ بلند استبداد بود.

### بی نوشت:

- ۱- پرونده هویدا، امیر عباس، آرشیو روزنامه اطلاعات، ش ۱.
- ۲- فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۴، ۱۳۷۵.
- ۳- آرشیو روزنامه کیهان، پوشه هویدا.

۴- هر چند بین گروه به اصطلاح مترقی و رقیبان سیاسی آنها تفاوتی از لحاظ صوری وجود داشت، اما در عمل نتیجه فعالیت همگی چیزی جز «سیه روزی ملت» نبود.

۵- اختریان، محمد، نقش امیر عباس هویدا در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، انتشارات علمی، چاپ حیدری، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۶۰.

۶- آرشیو روزنامه اطلاعات، پوشه هویدا.

۷- تکنوکرات بودن هویدا از یک سو ناشی از نشو و نمای فکری او در غرب و آشنایی با فرهنگ رنگان آن دوران بود و از سوی دیگر از تحصیلات دانشگاهی در بستری از تفکرات اقتصادی نشأت می گرفت.

۸- شوکران، ویلیام، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴.

۹- اختریان، محمد، نقش امیر عباس هویدا در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، نشر علمی، چاپ حیدری، ۱۳۷۵، ص ۶۲.

۱۰- منظور از اینکه می گویم شاه از حادثه ترور ناراحت نبوده است، آن است که شاه پس از اینکه با عمل انجام شده انقلابیون مواجه شده در اندیشه ترندی جدیدتر و روشی مؤثرتر برای تحکیم هر چه بیشتر پایه های استبداد فرو رفت و بنابراین به گزینش جدید دست زد.

۱۱- بهنود، مسعود، از سید ضیاء تا بختیار، نشر جاویدان، زمستان ۷۴، صص ۵۱۷-۵۱۸.

۱۲- همان، ص ۹۸۴.

۱۳- نک: مجموعه اسناد لانه جاسوسی، ج ۱، نشر اسناد، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۶۵ و نقش امیر عباس هویدا در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، محمد اختریان، نشر علمی، ۱۳۷۵، ص ۶۹.

۱۴- نکته بسیار مهم آن است که ایجاد این واحدها زمینه را برای تمرکز سرمایه در دست ثروتمندان درباری و عده ای معدود از وابستگان آنها فراهم می کرد و بهره چندان برای همگان در پس نداشت و عامه مردم زیر فشار فقر فزاینده به سر می بردند.

۱۵- بررسی پرونده شخصیت های سیاسی و رجال قدرتمند دربار پرده از نساد روزافزون هیأت حاکم شاهنشاهی برداشته، ادعای «توزیع عادلانه درآمد» را بسیار مضحک می نماید.

۱۶- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، پوشه هویدا، گزارش به ساواک، ۳۳/۱۱/۱۸.

۱۷- پرونده هویدا، آرشیو روزنامه کیهان، ش ۳۲-۳.

۱۸- قاسمی، ابوالفضل، الیگارشی حکومتگر ایران، خاندان هویدا، نشریه حزب ایران، ص ۹۲.

۱۹- همان، ص ۹۹.

۲۰- سمیعی، احمد، «سی و هفت سال»، نشر شبابوز، ج چهارم، ۱۳۶۷، صص ۹۷، ۹۸.

۲۱- الموتی، مصطفی، نشریه نیمروز، موضوع هویدا، ۷۴/۴/۳۰.

۲۲- بر اساس خاطرات ارتشبد حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، مرکز مطالعات و پژوهش های جمهوری اسلامی، ص ۳۷۴.

۲۳- فراماسوزی به طور مجازی در معنای همفکری و همدردی به کار می رود.

۲۴- آرشیو روزنامه اطلاعات، پرونده هویدا، ش ۳.

۲۵- رک: گزارش ساواک به اداره کل سوم از فرماندهی کل فارس در ۴/۲/۴۹ و پرونده گزارش به ساواک در تاریخ ۱۲/۱۰/۴۹. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۶- پرونده هویدا، آرشیو روزنامه کیهان، ش ۳۲-۲.

۲۷- پرونده هویدا، آرشیو روزنامه اطلاعات، ش ۲-۲-۱/۰.

۲۸- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، نشر اطلاعات، جلد ۱، صص ۲۶۶-۲۶۸.

۲۹- راجی، خدمتگزار تخت طاووس، نشر اطلاعات، ۱۳۶۵، ص ۲۲۴.

۳۰- هالیدی، فرد، «دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران»، ترجمه فضل الله نیک آیین، امیر کبیر، ص ۲۶.

۳۱- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، «تاریخ روابط خارجی ایران»، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۹۰.

۳۲- رابیل جیمز، اشیر و عقاب، روابط بدفرجام ایران و آمریکا، ترجمه برلیان فروزنده، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۱، ص ۳۰۱.

۳۳- اختریان، محمد، نقش هویدا در تحولات سیاسی اجتماعی ایران، نشر علمی، چاپ حیدری، ۱۳۷۵، ص ۱۷۸. [با تغییر و تصرف].

۳۴- پرونده هویدا، آرشیو روزنامه کیهان، ش ۳۲-۲/.